

روایت وضعیت امروز خیابانی که زمانی قلب سنگی مشهد بود

ضربان ضعیف شهر سنگ

حرفه‌ای دنبال کنند، آزادند؛ در غیر این صورت باید به همین جاییابند. چاره‌ای جز این نداریم. آبرویمان هم در همین کار است.»

بگیرند. درست است که حالا همه چیز مرتب شده است، اما در سال‌هایی که شرایط اقتصادی جامعه خراب بود، به ما فشار آوردند و به خاطر همین به ما خیلی سخت گذشت.»

اصفهان، دستگاه‌های پیشرفته‌ای دارد که مشهد ندارد

قبل از مغازه فروش پوشاک داشته است اما از ۱۵ سال پیش، وارد حرفه فروش سنگ می‌شود و در شهر سنگ خیابان جراح، مغازه اجاره می‌کند. رونق کارش همان هفت‌هشت سال اول بوده است. بعدش مثل بسیاری از حرفه‌ها، بازارش کساد می‌شود. شرف‌الدین جامی به جز فروش سنگ، در مغازه‌اش کارحاک‌کی هم انجام می‌دهد. از این هنر که سوال می‌کنیم، می‌گوید: «حاک‌کی قبلاً با دست و چکش انجام می‌شد و زمان زیادی را می‌گرفت. بعد با فرز، کار پیش رفت و حالا هم با دستگاه‌های سی‌ان‌سی‌ای که آمده، کار کلاً آسان شده است؛ اگر چه کار دست، چیز دیگری است.» جامی ادامه می‌دهد: «قلب سنگ ایران، اصفهان است و سنگ فروش‌های مشهد، سفارش‌های زیادی به اصفهان می‌دهند، با اینکه هزینه سفارش‌ها برایشان چندبرابر بیشتر از اینجا تمام می‌شود. حتی سنگ‌های کوپ (سنگ خام) مشهد به اصفهان فرستاده می‌شود و آنجا برش می‌خورند. تفاوت کارخانه‌های مشهد و اصفهان در فرآوری آن است. آن‌ها دستگاه‌های پیشرفته‌ای دارند که ما نداریم. یک سنگ گران‌قیمت را یک کارخانه می‌تواند طوری تولید کند که مشتری اصلاً نخرد و برعکس، یک کارخانه می‌تواند آن را طوری فرآوری کند که قیمت دلخواهش را رویش بگذارد.»

از نسل سنگ تراش‌های مشهدی حمایت نشد

می‌گوید مشکلات زیادی دارند، با این حال حاضر نمی‌شود آن‌ها را بازگو کند. بیشتر که اصرار می‌کنیم، می‌گوید: «خیلی اذیت شده‌ام که این‌طور حرف می‌زنم. چرا مشتری من باید برود از اصفهان سنگ بخرد؟ چرا صنعت تولید سنگ ما از بین رفته است و قدرت رقابت با اصفهان را نداریم؟ موقعی که عموی پدر من دستگاه اره داشت، کمتر کسی در ایران صاحب چنین دستگاهی بود. چرا از نسل سنگ تراش‌ها در مشهد حمایت نشد؟ الان فکر کنم در مشهد حدود پنج کارخانه، دستگاه اره داشته باشند، در حالی که حالا در شهر اصفهان بیش از ۱۰۰ کارخانه، صاحب این دستگاه هستند، چون از صنف سنگ تراش‌های این شهر حمایت شده است.»

با اینکه صدها میلیون تومان سرمایه گوشه مغازه‌اش خوابیده است و با اینکه فقط برای حفظ آبرو دارد کارش را ادامه می‌دهد، عرق زیادی به پیشینه اجدادی‌اش دارد؛ «ما باید تا آخر این کار را ادامه بدهیم. اگر فرزندان خود من، روزی بخواهند درس یا ورزش را به صورت

بهداد بهبود جوان است و حرفه‌اش را از پدرش، به ارث برده است. کارشناسی ارشد معماری دارد و گرچه با علاقه زیادی وارد حرفه سنگ‌بری شده، حالا تمام انگیزه‌هایش را از دست داده است. او بیرون مغازه‌اش در کوچه جراح ۳ ایستاده است. لحن شکایت‌آمیزش در گفت‌وگو با ما، نشان می‌دهد که اینجا در شهر سنگ، حال و روز همه همین‌گونه است. او تمایلی به گفت‌وگو ندارد؛ چون معتقد است که این کار چیزی را عوض نمی‌کند. می‌گوید پدر خدا بیامرزش از سال ۶۸ کارخانه‌اش را در شهر سنگ برپا کرده است، اما پیشینه خانوادگی‌شان در این حرفه، به خیلی قبل‌تر برمی‌گردد. می‌گوید: «نسل ما از حدود سال‌های ۱۳۱۰ اولین چکش‌ها را به سنگ زدند. آن موقع دستگاه که نبود. سنگ را با قلم و چکش از هم جدا می‌کردند.»

از سال ۸۶ شهرداری به کارخانه‌ها اعلام می‌کند که باید تغییر کاربری بدهند. کارخانه‌ها به مغازه فروش سنگ تبدیل کنند و بابت مغازه‌ها تجاری بگیرند. بهبود می‌گوید: «هنوز بعضی دستگاه‌هایمان در کوچه پشتی (جراح‌سه) قرار دارد و تا دو سال دیگر، برای انتقال کامل کارخانه‌ها فرصت هست. به ما گفتند در محدوده شهری قرار گرفته‌اید و به خاطر آلودگی صوتی و محیطی باید کارخانه‌ها را از اینجا به خارج از شهر منتقل کنید، در حالی که این شهرک از اول، در محدوده شهری نبود. این شهر بود که وارد محدوده ما شد. یک مدت هم مغازه‌ها را پلمب کردند تا صاحبان آن‌ها بروند مجوز تجاری

فاطمه خلخال‌ی استاد - شهر سنگ مشهد مرده و دیگر نفسی برایش نمانده است. امروز تقریباً هیچ جنسی در این بازار، قیمت واقعی خودش را ندارد و معمولاً هر جنسی، ۲۰ تا ۳۰ درصد زیر قیمت خرید به فروش می‌رود. صاحبان کارگاه‌ها آمیدی به پیشرفت ندارند، چون سرمایه‌ای برایشان نمانده است. سرمایه‌هاشان گوشه دیوار خوابیده است. خیلی هنر کنند، از آنچه می‌فروشند، بتوانند هزینه اجاره مغازه و کارگر را در بیاورند و چندرغازی برای خرج زندگی. شهر سنگ مشهد که در کوچه‌های «جراح» در محله خاتم‌الانبیا (ص) قرار گرفته است، قدمتی حدود نیم‌قرن دارد. این محدوده از یک سو به بزرگراه آزادی و از طرف دیگر به بولوار توس متصل است. این مجموعه که از حدود سال ۵۰ در این محدوده شکل گرفت، تا سال ۸۸ کارخانه‌های سنگ مشهد را در دل خود جای داده بود اما از سال ۸۸ به بعد با اعلام سازمان شهرداری، به دلیل آلودگی صوتی و محیطی در محدوده شهری، کارخانه‌ها به مرور به تپه‌سلام نقل مکان کرده و جای آن‌ها را کارگاه‌های فروش سنگ و حکاکی‌ها گرفته است.

حالا آنچه از شهر سنگ قدیم مانده است، کارخانه‌های انگشت‌شماری است که دارند بساطشان را جمع می‌کنند. در عوض نمایشگاه‌ها و مغازه‌های فروش سنگ، جای کارخانه‌ها سبز شده‌اند که همه‌شان اقتصاد بیماری دارند و به قول خود صاحبان مغازه، دارند «کژدار و مریز» به پیش می‌روند. عامل این بیماری نیز به گفته تمام کاسب‌ها، راکد بودن ساخت‌وساز است که چندین سال است گریبان آن‌ها و بسیاری دیگر از مشاغل مرتبط با ساختمان‌سازی را گرفته است.

